

# انقلاب اکتبر، بزرگ ترین انقلاب اجتماعی تاریخ بشری

کشورهای سوسیالیستی، سقوط دولت های سوسیالیستی در اروپای شرقی را به مثابه نقطه ختمی بر تلاش برای ارائه جایگزینی عملی برای سرمایه داری تصویر کردند. مجله اکونومیست، مداح سرمایه داری، ضمن اینکه انقلاب اکتبر را در شماره ویژه خود به عنوان برجسته ترین رخداد قرن بیستم معرفی کرد، این حقیقت را که در اکثر کشورهای سوسیالیستی در شرق اروپا، نظام

در صفحه ۷

فرا رسیدن سالگشت انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر، این بزرگ ترین رویداد قرن بیستم، در شروع هزاره سوم و قرن جدید میلادی فرصتی نو برای تعمق در ابعاد و مختصات انقلابی است که جهان به دلیل وقوع آن به طور بنیانی دگرگون شده است. در ماه های اولیه سال مسیحی جاری، بسیاری از تحلیل گران سرمایه داری در برخورد به رویداد های قرن بیستم، ضمن اشاره به انقلاب اکتبر، ساختمان سوسیالیسم در اتحاد شوروی و دستاوردهای اجتماعی-سیاسی

# نامه مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۵۹۵، دوره هشتم  
سال هفدهم، ۱۰ آبان ۱۳۷۹

## تداوم روند اصلاحات و به سرانجام رساندن آن، بدون شرکت مستقیم و سازمان یافته

### نیروهای اجتماعی حامی اصلاحات ممکن نیست

#### صحت ارزیابی ها و سیاست های حزب توده ایران در بونه آزمون پیکار بر ضد استبداد

- «حزب ما نیروهای اجتماعی شرکت کننده در جنبش یعنی کارگران و زحمتکشان، جوانان، دانشجویان، زنان، روشنفکران مرفعی، هنرمندان و نویسندگان را نیروی اساسی محرکه اصلاحات و مبارزه در راه آزادی و عدالت اجتماعی در میهن ما می داند... جبهه ائتلاف دوم خرداد، جبهه بی است که در سه سال گذشته کم کم به شکل یک تشکل، شامل بیش از ۱۸ سازمان سیاسی - اجتماعی، حول دفاع از دولت خاتمی و مقابله با نیروهای انحصار گرا و مدافع استبداد و خشونت، شکل گرفته و در روند رویدادهای ایران نقش و تأثیر خود را ایفاء می کند. عمده ترین ضعف این ائتلاف را وجود مرزهای «خودی - و غیر خودی» و تزلزل و ناپیگیری در ایجاد تحول در شیوه حکومت مداری ایران و حرکت از دیکتاتوری به سمت حکومت مردمی باید دانست... در این جبهه، خصوصاً آن بخش از این نیروها که اعتقاد عمیقی به حفظ «نظام اسلامی» دارند، از شرکت فعال توده ها در مقابله با رژیم شدیداً در هراسند و آماده نیستند که از عامل توده ها در مقابله با ارتجاع فعالانه استفاده مستقیم کنند.» (از اسناد پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران - اردیبهشت ۱۳۷۹).
- «آن نقطه ضعف و آسیب پذیری که موجب توفیق مخالفان اصلاحات شد و به آنان امکان داد تا پس از انتخابات ۲۹ بهمن به تحرکاتی گسترده دست بزنند، ناتوانی اصلاح طلبان در تبدیل نیروی اجتماعی حامی خود به قدرت عملی و موثر در صحنه بود...» («عصر ما»، چهارشنبه ۳۰ مهرماه ۱۳۷۹).

و تبعیض»، که نه «ولی فقیه» رژیم به آن اعتقادی دارد و نه میلیاردهای مدافع او همچون عسکر اولادی ها، خاموشی ها و جنتی ها، با بحرانی جدی رو به رو شد. بستن بیش از ۳۰ نشریه مدافع اصلاحات، زندانی کردن ده ها نویسنده دگراندیش و

ادامه در صفحه ۶

سرنوشت روند اصلاحات و جگونگی رفع موانع از سر راه آن، از جمله تهاجم گسترده نیروهای ارتجاعی مدافع «ذوب در ولایت» برای متوقف کردن این روند، از مهمترین موضوعاتی است که مورد بحث و تبادل نظر نیروهای سیاسی و اجتماعی میهن ما است. بحث در این زمینه، در واقع، از همان نخستین روزهای پیروزی بزرگ دوم خرداد ۱۳۷۶ آغاز شد و تا به امروز همچنان ادامه دارد. در میان طیف نظرات ارائه شده، دو نظریه مشخص و برجسته قابل تأمل و بررسی دقیق تر است. نخست: نظریه رهبری سیاسی جنبش اصلاح طلبی بوده و هست که عمدتاً راه حل مسایل را از طریق «رایزنی در بالا و فشار از پایین» می دانستند و به دلیل اعتقاد ناصحیح به «مرزهای خودی و غیر خودی» برای «حفظ نظام» و عبور نکردن از «خط های قرمز» مخالفت و مبارزه بر ضد رژیم «ولایت فقیه»، که نماد استبداد مطلق و خودسر در میهن ماست و مهمتر از همه «غیر خودی» محسوب کردن توده های شرکت کننده در جنبش، معتقد نبوده است که لازم است نیروهای اجتماعی حامی اصلاحات را سازمان دهد و بر اساس برنامه حداقلی که مورد قبول همه نیروهای مدافع اصلاحات باشد، مبارزه برای تغییرات و حرکت از شیوه های استبدادی حکومت مداری به سمت تحقق حاکمیت مردم بر سرنوشت خویش را به پیش ببرد. ادامه این سیاست، در ماه های اخیر، خصوصاً در پی تهاجم گسترده ارتجاع حاکم برای متوقف کردن روند اصلاحات و دخالت مستقیم «ولی فقیه» و «فرمان» او برای تغییر سمت و سوی اصلاحات از تلاش در راه تأمین حقوق شهروندان و به کوره راه بردن جنبش اصلاحات زیر لوای شعارهای توخالی و عوام فریبانه بی درباره «مبارزه بر ضد فقر

### در این شماره

- گزارشی از جنبش اعتراضی زحمتکشان صفحات ۴ و ۵
- سازمان دهی و تشکل، نیاز مبرم جنبش زنان ص ۲
- ارامنه، قربانیان دیگر رژیم ولایت فقیه ص ۲
- تأملی بر طرح تجدید سازمان دهی وزارت اطلاعات ص ۳
- به یاد فریدون مشیری، شاعر نامدار ایران ص ۳
- بدرود رفیق «گاس هال» ص ۸

## با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

# برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی، و طرد رژیم «ولایت فقیه»!



## سازمان دهی و تشکل، نیاز مبرم جنبش زنان

به گزارش ایسنا دوشنبه ۲ آبان، زهرا شجاعی، مشاور رئیس جمهوری و رئیس «مرکز امور مشارکت زنان»، طی سخنانی در جمع گردشگران خارجی، گفت: «بر اساس آمارهای موجود تعداد مدیران زن در کشور از ۹۰۸ نفر در سال ۷۶ به ۲۷۵۵ نفر در حال حاضر رسیده است. همچنین ۱۳ درصد تعاونی ها را خانم ها تشکیل می دهند.» به گفته وی، مشارکت گروه های زنان در مراحل مختلف انقلاب بسیار زیاد بوده اما مشارکت نخبگان آنان در سطوح بالای تصمیم گیری به اندازه توده زنان نبوده است. وی در جایی دیگر اظهار داشت که، برای نخستین بار در دولت خاتمی دوزن به عضویت کابینه درآمده اند و در سطح بالای مدیریتی نقش ایفاء کردند و در برخی از شوراهای اسلامی نیز زنان به عنوان رئیس و یا عضو اصلی شورا انتخاب شدند. وی در مورد حجاب گفت: «زنان در ایران، با حفظ حجاب و اعتقادات اسلامی، در عرصه ورزش و تربیت بدنی نیز فعالیت دارند و به هیچ وجه حجاب را مانعی برای فعالیت خود نمی دانند کما این که مدل ها و رنگ های مختلفی از حجاب در کشور ما مورد استفاده قرار می گیرد.» شجاعی در توجیه پوشش تحمیلی به زنان میهن مان گفت که، اساسا پوشش هر ملتی به آداب و رسوم آن ملت بستگی دارد و در نقاط مختلف ایران نیز فرهنگ ها محلی لباس خاص خود را دارند که بسیار زیبا و رنگارنگ است. در عرصه آموزش و پرورش وی اظهار داشت که، ۶۰ درصد کل پذیرفته شدگان کنکور و ۳۴ درصد اعضای هیات علمی را نیز زنان تشکیل می دهند. وی در پایان اعتراف کرد که زنان تاکنون قدم های بزرگی را برداشته اند اما هنوز تا نقطه مطلوب فاصله است و زنان ایرانی در صدد رسیدن به حقوق عادلانه خود هستند. وی نگفت منظور او از حقوق عادلانه زنان چیست؟

امروز بحث در مورد زنان در میهن مان را باید از دو جنبه مورد بررسی قرار داد. اولاً، بیان مسائل و مشکلات و دوم راه کارهای عملی برای از میان برداشتن این مشکلات. سخنان معاون رئیس جمهور در مورد زنان که برای گردشگران خارجی ایراد شده، نوعی توهم را در ذهن شنونده به وجود می آورد که زنان در ایران بخصوص طی چند سال گذشته در زمینه های مختلف موفقیت هایی را کسب کرده اند و مشکلات موجود نیز چندان قابل اهمیت نیست. بررغم چنین کوششی، آمارهای موجود هم، که توسط خود او داده شده است، خلاف آن را ثابت می کند. وی می گوید که تعداد مدیران در حال حاضر ۲۷۵۵ نفر رسیده اند و در جای دیگر تعداد پذیرفته شدگان کنکوری را از میان زنان ۶۰ درصد عنوان می کند. با توجه به جمعیت ۳۰ میلیونی زنان در ایران، رقم ۲۷۵۵ نفر، چند درصد زنان را شامل می شود؟ اگر چنین پیشرفت هایی در عرصه دانشگاهی، به عنوان بالاترین سیستم آموزشی کشور وجود دارد، چه عواملی مانع از مشارکت بیشتر زنان در عرصه های تصمیم گیری کشور گردیده اند؟ زهرا شجاعی زیرکانه نوع پوشش تحمیلی شده به زنان را، قوانین برگزیده شده توسط مردم می داند و در جایی دیگر آن را مانع فعالیت ورزشی زنان نمی داند. اگر چنین صحبتی مورد قبول باشد این سؤال مطرح می شود که به چه دلیل از شرکت دادن زنان در مسابقات المپیک، که چندی پیش در سیدنی برگزار گردید، ممانعت به عمل آمد؟ اگر زنان آنچنان در عرصه های آموزشی موفق هستند، در زمینه های ورزشی هم باید دارای چنین توانایی هایی باشند، مگر اینکه سدی در مقابل آنها باشد که زهرا شجاعی سعی در استتار آن دارد. واقعیت های دیگری که در زندگی زنان وجود دارد و در صحبت های معاون رئیس جمهوری بازتاب نیافت، مشکلات عدیده ای است که هم اکنون گریبانگیر زنان میهنمان است. با نگاهی به مندرجات روزنامه ها و گزارش دیگر رسانه ها از ایران، پدیده اعتیاد، خودکشی، خودسوزی، طلاق، فساد گسترده و فحشا، فرار دختران از خانه و غیره در میان زنان ایران به نحو فزاینده و وحشتناکی رو به افزایش است که، بدون شک علت اصلی، ناشی از پیامدهای سیاستی است که زن ستیزی مشخصه اصلی آن است. به همین دلیل دومین نکته کلیدی، ایجاد

راه کارهای عملی برای حل این بحران ملی است. واقعیتی که هم اکنون وجود دارد آن است که عزم جدی در میان مسئولان دولتی در این مورد وجود ندارد. دلیل آنهم اینکه چنین سیاستی دقیقاً در جهت مخالف منافع آنان است. صحبت های گاه و بیگاه که در مورد زنان بعضاً از طرف حکومتیان ایراد می شود را نیز باید ناشی از شدت فشار افکار عمومی دانست. اما اینکه چرا چنین جمعیت عظیمی تاکنون از دستیابی به حقوق حداقل خود محروم بوده است نکته مهمی است که باید روی آن تأمل شود. حزب توده ایران، بارها در مقاطع مختلف ضرورت سازمان دهی برای پیشرفت جنبش را مورد تأکید قرار داده است، هر چند وضعیت تشکل ها و انجمن های صنفی در ایران نمی تواند مطلوب ارزیابی شود اما نگاهی به همان تشکل های نیم بند در عرصه کارگری و دانشجویی، تأثیر چنین نهادهای مستقلی را بیش از پیش آشکار می سازد. عرصه زنان به دلیل وسعت و گستردگی آن در سطح مطالبات، از عرصه های مهمی است که فعالان سیاسی در داخل و خارج کشور باید به آن اهمیت زیادی بدهند. متأسفانه در عرصه زنان، بررغم بسترهای عینی مناسب هیچ تلاش در خور توجهی صورت نگرفته است. زنان مبارز و فعالان سیاسی بخصوص در داخل ایران باید توجه جدی به این مسأله داشته باشند. اگر زنان ایران موفق شوند چنان تشکلی را راه اندازی کنند که مستقل از منافع حکومتیان عمل کند، ما در آینده شاهد پیروزی های درخشان و عقب نشینی های رژیم ولایت فقیه در عرصه های مربوط به زنان خواهیم بود. تجربه های تاریخی گذشته نشان داده است که وجود تشکل های زنان حتی برای مدت کوتاه تأثیرات شگرفی به نفع زنان به همراه داشته است.

## برنامه های اقتصادی و «چشم اندازهای روشن»

«برنامه اصلاحی آقای سید محمد خاتمی رئیس جمهوری ایران که در اوت ۱۹۹۸ در قالب برنامه سوم توسعه کشور به اجرا گذاشته شده، چشم انداز روشنی را برای نیل به عدالت اجتماعی و بهبود وضعیت اقتصادی کشور ایجاد کرده است. اصلاح ساختاری بودجه، نظام مالیاتی، کاهش تصدی گری دولت در امور اقتصادی، خصوصی سازی شرکت های دولتی، حمایت از بخش خصوصی، آزاد سازی قیمت ها، ایجاد شفافیت بیشتر در نظام اقتصادی کشور و ایجاد چتر حمایتی قوی برای حمایت از قشرهای آسیب پذیر از ویژگی های برنامه اصلاحات اقتصادی دولت خاتمی می باشد.»

این قسمتی از سخنان وزیر امور اقتصاد و دارایی است که در اجلاس «کمک» در استانبول ایراد شده و روزنامه «حیات نو»، در روز پنجشنبه ۵ آبان آن را به چاپ رسانده است. صرف نظر از اینکه سیاست های اقتصادی دولت چگونه و توسط چه کسانی در گذشته و حال پیاده شده اند و ادامه پیدا کرده اند، نکته مهم در این باره این است که پیامدهای فاجعه بار این سیاست ها بررغم ادعای وزیر امور اقتصاد و دارایی نه تنها چشم انداز روشنی را برای نیل به عدالت اجتماعی ندارد، بلکه برعکس قضیه باعث شکاف طبقاتی عظیمی گردیده که در لابلای سخنان دست اندرکاران مسئول نیز به آن اشاره می شود. این نکته وقتی بیشتر عیان می شود که وزیر امور اقتصاد و دارایی در همان سخنان اعتراف کرد که، بزرگ ترین تراژدی عصر ما فقر است. منتها مسأله بی که سعی می شود از آن طفره روند، علل و چگونگی این فقر گسترده و رو به افزایش است. سخنان وزیر امور اقتصاد و دارایی رژیم جمهوری اسلامی به قدر کافی روشن است. کاهش تصدی گری دولت، خصوصی سازی شرکت های دولتی، حمایت از بخش خصوصی، سرفصل های کلیدی برنامه های اقتصادی رژیم است. اما اینکه این برنامه ها بررغم ادعاهای عوام فریبانه چشم انداز روشنی را در پیش رو

دارد، باید در مخالفت های رو به افزایش در میان کارگران و زحمتکشانی جستجو کرد که به مرور زمان و به تجربه عینی پیامدهای فاجعه بار این برنامه های دیکنه شده از طرف صندوق بین المللی پول را در پیش روی خود می بینند. بیکاری، اخراج، تعطیلی واحدهای تولیدی، شرایط کاری توأم با استئشمار رو به افزایش، اعتیاد، فقر، خودکشی و از هم پاشیدن شیرازه خانواده به واسطه ادامه چنین سیاست هایی، «چشم اندازهای روشنی» اند که دست اندرکاران دولتی رژیم جمهوری اسلامی نوید آن را به مردم می دهند. ادامه چنین برنامه های اقتصادی از طرف هر نیرویی که حمایت و دنبال گردد، یک سیاست ضد مردمی است.

## ارامنه، قربانیان دیگر رژیم ولایت فقیه

ایسنا، چهارشنبه ۴ آبان از قول لئون داویدیان، نماینده ارامنه در مجلس نوشت: «بعد از انقلاب اسلامی روند مهاجرت اقوام ارامنه از ایران سیر صعودی داشته است که از این کار انگیزه های مختلفی داشته اند و این امر در طی دو سال گذشته افزایش پیدا کرده است.» وی در ادامه گفت: «ارامنه ایران از پرجمعیت ترین اقلیت های دینی ایران هستند و قدمت طولانی زندگی را در ایران به عنوان کشور خود دارند و طبیعتاً علاوه بر پرداختن به امور خاص اقلیت ارامنه در همه کارهای سیاسی - اجتماعی - علمی و فرهنگی دخیل هستند و اقلیت بودن آنها مانع از این نمی شود که در سطح کشور وظیفه اصلی یک شهروند ایرانی را انجام ندهند و تفاوت دینی مانع از این نشده است که همبستگی و پیوند این دو جامعه از هم گسسته شود.» وی در جایی دیگر با اشاره به این مسأله که، جامعه ارامنه از نظر قدمت و تشکیلات تنها جامعه بی است که سابقه آن به سالها قبل برمی گردد و تمام جوامع دیگر بعد از آن شکل یافته و دارای قدمتی نزدیک به چهار قرن می باشد، به تشریح سازمان ها و تشکیلات مربوط به ارامنه پرداخت که نظیر آن فقط در لبنان دیده می شود. وی گفت که، مشکل عمده ارامنه در زمینه مدارس، مسائل حقوقی و قانونی و استخدامی به دلیل تفاوت های موجود است که این مسأله بسیار نگران کننده است.

رژیم ولایت فقیه از بدو تحکیم پایه های خود به عنوان یک رژیم کاملاً سرکوب گر، در زمینه حقوق قومیت های ایرانی که از نظر آداب و رسوم و اعتقادات مذهبی و سنتی با سیاست های مد نظر حاکمان کنونی متفاوت است، سیاست هایی را اختیار کرده و می کند



## به یاد شاعر نامدار ایران فریدون مشیری

فریدون مشیری، شاعر نامدار میهن ما، روز سه شنبه ۳ آبان ماه، در تهران درگذشت، و مراسم خاکسپاری او با حضور هزاران نفر از ادب دوستان و فرهیختگان میهن ما، روز جمعه ۶ آبان برگزار شد. «نامه مردم» ضمن تسلیت درگذشت مشیری به خانواده، دوستان و همه ادب دوستان میهن ما، در زیر شعری از مشیری را که در آستانه انقلاب بهمن ۵۷ سروده شده است، در گرامیداشت یاد او منتشر می کند.

### همچنین باد

- «چشم ما روشن، ای چراغ سحر  
خوشی درخشیده ای، چه حال و خیر؟  
چون گذشتی از آن شبان سیاه  
همه طوفان و خشم و خوف و خطر  
همه بیداد و ظلم و داغ و درفش  
همه اندوه و اشک و خون جگر  
دیدي آن خیل دادخواهان را  
زیر رگبار مرگ، راهسپر  
لب فرو بستگان وحشت را  
با غریبی فراتر از تندر؟  
کاوه ها پاره های دل بر چوب  
مشت ها آهنین و سینه سپر؟  
در هوای نسیم آزادی  
رهگشایان خون و خاکستر؟

■ ■ ■  
بنگر آن باک آفتاب نهاد  
پرسی را چگونه پاسخ داد:  
- «چون در آید به بیستون فرهاد  
چه کند سنگ خاره با پولاد؟  
لرزه بر طاق آسمان افتد  
خلق اگر یکزبان کند فریاد  
داد دل از زمانه بستانی  
پیش بیداد اگر برآری داد!  
فصل غم های بی کرانه گذشت  
طعم آن تلخ را ببر از یاد  
جای آن ساقه ها - که ریخت به خاک -  
سروها سر کشد همه آزاد!

- همچنین باد، همچنین تر باد.  
باغ ها بشکفد همه رنگین  
دشت ها بر دمدم همه آباد  
- همچنین باد، همچنین تر باد.  
برگ تازه است باغ سوخته را  
باش تا غرق گل بیاید باد  
- همچنین باد، همچنین تر باد.  
تا به دنیا پرزده ای باقی است  
هیچ آزاده ای اسیر مباد!  
- همچنین باد، همچنین تر باد.  
جان آزادی همیشه عزیز  
در امان باد، چشم بد مرساد.»  
- همچنین باد، همچنین تر باد.

فریدون مشیری

زمرستان ۱۳۵۷

به نقل از «نامه کانون نویسندگان ایران»، شماره دوم، پاییز ۱۳۵۸

۱. «همچنین باد»، به جای واژه «آمین» به معنای برآور و بپذیر آمده است. «همچنین باد، همچنین تر باد» به جای «آمین ثم آمین».

که، نوعی روش های نازیستی را در اذهان تداعی می کند. سیاست های فوق ارتجاعی در مورد هموطنان کلبی، سنی مذهبان کشور، زرتشتیان و دیگر هموطنانی که با عقاید و رسوم خود در ایران به زندگی مشغول هستند، از نمونه های بارز این سیاست ضد مردمی می باشد. رژیم ولایت فقیه، با تأکید بر جنبه های اعتقادی، سنتی و مذهبی هموطنان، سعی می کند قشری عظیم از نیروهای فعال جامعه را که نقشی سازنده در حیات اجتماعی - اقتصادی جامعه دارند را، به بهانه های مختلف حذف کند. نوع این سیاست به صورتی است که هر شهروند غیر شیعه، اصولاً ایرانی نمی تواند باشد. گرچه رژیم ولایت فقیه زیر فشار افکار عمومی همیشه سعی کرده است این مسأله را کتمان بکند، اما عملکردهای این رژیم و سخنان نماینده ارمانه در مجلس نشانگر این واقعیت است که، این سیاست ضد ملی در طول نزدیک به بیست و دو سال حیات این رژیم به طور مستمر ادامه داشته است. صرف نظر از فشارهای گسترده ای که بر هموطنانمان، به بهانه های مختلف اعمال می شود، فشار بر روی ارمانه میهن مان قابل تأمل است. برخلاف تلاش بیهوده رژیم ولایت فقیه، حضور هم میهنان ارمانی در عرصه های مختلف سیاسی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور نشان می دهد، این قشر جامعه ما در تاریخ ایران همواره نقش مترقی و حیاتی خود را ایفا کرده است و همین امر به قدر کافی در شکست سیاست های تاکتونی رژیم نقشی بس موثر داشته است. حضور هموطنان ارمانی در صفوف حزب توده ایران در گذشته و حال نیز موید همین واقعیت است. مبارزان ارمانی در سال های طولانی حاکمیت اختناق و استبداد بر میهن ما حماسه های درخشانی از مقاومت و ایستادگی را در برابر مزدوران و شکنجه گران برپا داشتند و خاطره قهرمانانانی همچون وارطان ها، زاخار و ده ها مبارزه دیگر در تاریخ مبارزات رهایی بخش میهن ما ماندگار است. چنین مبارزانی نه تنها در صفوف حزب توده ایران، بلکه در میان دیگر سازمان های مترقی نیز غیر قابل انکار است. سیاست های ضد مردمی رژیم ولایت فقیه با ایستادگی و مقاومت توأم با آفشگری باید به ضد خود تبدیل گردد.

## تأملی بر طرح تجدید سازمان دهی وزارت اطلاعات

اخیراً طرحی قانونی در دستور کار مجلس شورای اسلامی قرار گرفته است مبتنی بر انحلال بخش های ضد اطلاعات مربوط به ارگان های حکومتی و ادغام آنها در وزارت اطلاعات. البته این پیشنهاد قانونی، تبصره هایی نیز دارد، از جمله « طرح مبنی بر اقدام به دستگیری، بازداشت، بازجویی و ... بدون نیاز به حکم محاکم قضایی» که به آن ضمیمه شده است.

در نگاه اول، ممکن است چنین به نظر آید و یا تبلیغ شود که، این اقدام در جهت جلوگیری از اقدامات غیر قانونی مراکز خود مختار اطلاعاتی است، اما با کمی دقت در مسیر طی شده کار و فعالیت وزارت اطلاعات، در یک سال و نیم گذشته، پرده از چهره کربیه نقشه بی حساب شده و بسیار خطرناک کنار می رود. واقعیت این است که، پس از سلسله تحولاتی که منجر به افشای مسئولیت وزارت اطلاعات در قتل های زنجیره ای و اعتراف صریح این ارگان به تروریسم آشکار دولتی شد، و پیامدهای آن «از جمله کنار گذاشتن بخشی از کادرهای آن و تغییر مدیریت» و همچنین افشای شیوه های فرافقانونی بی که مستقیماً توسط شخص ولی فقیه و مسئولین ستاد بحران از جمله رفسنجانی، رضایی، رفیق دوست، عسگر اولادی، خاموشی، و ... رهبری می شد، وزارت اطلاعات، به لحاظ سازمانی و مدیریت دچار بحران گردید، و مسأله سرخوردگی و عدم کارایی آن در برخورد با حوادث کشور، نگرانی سران رژیم را برانگیخت. از طرف دیگر، موضع گیری های متناقض و گهگاه عدم هماهنگی در میان ارگان های اطلاعاتی، افشای مسایل و توطئه های وزارت اطلاعات را سبب شد.

به نظر می رسد اکنون که ارتجاع نتوانسته است با توسل به سرکوب خبرنگاران، بستن روزنامه ها و همچنین تحمیل سیاست سکوت فعال!! به جبهه دوم خرداد، آرامش موقت را بر اوضاع حاکم کند، فرصت را غنیمت شمرده و در پی بازسازی و تقویت بنیانی ترین ارگان سرکوب، یعنی وزارت اطلاعات بر آمده است.

یکی از اهداف جدی و فوری این تجدید و تمرکز سازمانی، بالا بردن قابلیت تجسسی و عملیات در پیشگیری و در نطفه خفه کردن حرکات اعتراضی و نابودی عناصر کلیدی و رهبری کننده جنبش مردمی است. هدف دیگر، که به نظر می رسد برای شخص ولی فقیه از اهمیت حیاتی برخوردار باشد، مسأله رهبری واحد این ارگان تقویت و سرکوب است که، اکنون بخش هایی از آن، تحت عناوین مختلف، در اختیار ارگان ها و وزارت خانه های مختلف می باشد. در واقع بجز شخص ولی فقیه، هیچ ارگان دیگری، قادر به کنترل و هدایت و احیاناً بازخواست نسبت به عملکرد آن نخواهد بود. چرا که گر چه وزیر اطلاعات توسط رئیس جمهوری معرفی می شود، اما در واقع این وزارتخانه، مانند سپاه، به عنوان بخشی از قوای امنیتی و نظامی، تحت رهبری فرمانده کل قوا، یعنی شخص ولی فقیه، عمل می کند.

اینکه پیشبرد این طرح تا چه حد خواهد توانست به اقتدار رژیم فقهاتی یاری رساند، مستقیماً منوط به وضعیت جنبش خواهد بود. جنبشی که طلایه های آن، همچون اعتراضات اخیر دانشجویی و حوادث عجب شیر، نشان می دهد که، هیچ ترفندی قادر نخواهد بود آن را به عقب براند. مردم هوشیارند و تلاش های مذبوحانه ولی فقیه را خنثی خواهند کرد!



## گزارشی از جنبش اعتراضی زحمتکشان تداوم مبارزه، ضرورت سازمان دهی

کشاورزی مبنی بر تهیه مسکن برای کارکنان را، خواستار بودند.

در ۲۰ تیرماه، کارگران کارخانه آبتن، واقع در شهرستان خوی، با تعطیلی خط تولید، در برابر ساختمان اداره تامین اجتماعی این شهرستان تحصن کردند و خواستار دریافت حقوق معوقه و توقف خصوصی سازی شدند. در شهرک صنعتی نجف آباد، کارگران شرکت سنگ بری جاویدی، با برپایی یک راه پیمایی اعتراضی، نسبت به اخراج کارگران اعتراض کردند و خواستار پرداخت به موقع دستمزدها شدند. این راه پیمایی با حمله اوباش حزب اللهی و نیروهای انتظامی و بسیج به صف کارگران به درگیری انجامید و تعدادی از کارگران مجروح و عده بی نیز بازداشت شدند.

روزنامه رسالت، در تاریخ ۱۰ مردادماه، به طور مختصر و بسیار مغرضانه، خبر اعتصاب کارگران سه واحد تولیدی از مجتمع نیشکر خوزستان را انتشار داد. این روزنامه به خواست کارگران هیچ اشاره بی نکرده است. به گزارش همین روزنامه، کارگران شرکت سیپورکس نیز در اعتراض به عدم دریافت دستمزدهای خود و خطر اخراج کارگران در برابر ساختمان وزارت کشور تجمع کردند و خواستار رسیدگی مسئولان شدند. این گردهمایی با دخالت نیروهای انتظامی، برهم زده شد. به نوشته مطبوعات وابسته به رژیم، در تاریخ ۲۰ تیرماه، کارگران شرکت آب و فاضلاب استان ایلام، با خواست افزایش سطح دستمزدها، تامین امنیت شغلی و جلوگیری از خصوصی سازی، در برابر ساختمان این اداره تحصن کردند.

کار و کارگر، یکشنبه ۲ مرداد، خبر از اخراج ۲۰۰ تن از کارگران پتروکاران در پتروشیمی اراک را داد. کارگران این مجتمع که از بدو تاسیس به صورت قراردادهای موقت مشغول بکار بوده اند، هر روز در معرض خطر اخراج قرار دارند. شرکت پتروکاران از سال گذشته تاکنون حدود ۲۵۰ نفر را از کار اخراج کرده است و چون اکثر کارگران به صورت قراردادی کار می کنند و مقررات قانون کار شامل آنها نمی شود، بیم آن می رود که میزان این اخراج ها در آینده همچنان سیر صعودی داشته باشد.

با اینکه روند خصوصی سازی با بیکاری و از دست دادن مشاغل زحمتکشان ارتباط مستقیم دارد، اما دست اندرکاران دولتی با دادن وعده های توخالی در جهت گمراه کردن کارگران و زحمتکشان، همیشه اعلام می کنند که، روندهای در دست اجرا هیچ گونه اشکالی در امنیت شغلی زحمتکشان به وجود نمی آورد. در همین باره، روزنامه کار و کارگر ۳ مرداد به نقل از شهردار کاشان اعلام کرد که، با واگذاری کارهای خدماتی این شهرداری به بخش غیر دولتی، هیچ نیروی خدماتی شغل خود را از دست نمی دهد و شرکت های غیر دولتی نیز اجازه استخدام نیروی جدید به جای آنها را ندارند. به گزارش همین روزنامه، در پی واگذاری کارهای خدمات رسانی به بخش خصوصی، نگرانی کارگران زحمتکش این شهرداری نسبت به از دست دادن شغل رو به افزایش گذاشته است. به گزارش کار و کارگر، ۶ مرداد، ۳۰۰ تن از کارگران جامکو در اعتراض به وضعیت ناسامان خود در مقابل نهاد ریاست جمهوری تجمع کردند و خواهان احقاق حقوق خود شدند. به گفته یکی از کارگران، با اینکه نزدیک به یک سال است حقوقی به آنها پرداخت نگردیده است، ولی معاون وزیر صنایع در مصاحبه بی با صدا و سیما بدروغ مدعی شد که حقوق معوقه کارگران پرداخت شده است. کارگران جامکو در تیرماه نیز دست به یک تجمع اعتراضی دیگر زده بودند.

«تعطیلی شرکت آلومینیوم اراک (ایراکو)، معیشت ۵۰۰ هزار نفر را تهدید می کند»، این عنوان خبری بود که روزنامه کار و کارگر پنجشنبه ۶ مرداد، گزارش می دهد. بنا بر همین خبر، هم اکنون متجاوز از هشتاد هزار نفر، به صورت مستقیم، در این واحد و واحدهای پایین دستی آن به کار مشغولند. دلیل تعطیلی این واحد بزرگ صنعتی، ظاهراً آلوده سازی محیط اطراف است، اما چنین دلایلی به اضافه بهانه های گوناگون دیگر باعث فقر و فلاکت هزاران نفر از زحمتکشان میهنمان گردیده است. همین روزنامه، در تاریخ شنبه ۱۵ مرداد، خبر داد که، در اجرای حکم دادگستری استان

پیروزی بزرگ نفتگران قهرمان خوزستان، در سد کردن راه واگذاری شرکت حفاری نفت به انحصارهای فرا ملی، در هفته های اخیر، بررغم تهدیدهای رژیم «ولایت فقیه» و وزیر نفت دولت جمهوری اسلامی، بار دیگر اهمیت بیکار کارگران و زحمتکشان را به عنوان گردان اصلی جنبش مردمی در مبارزه برای آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی، در معرض توجه و قضاوت افکار عمومی و نیروهای سیاسی مدافع اصلاحات در میهن ما قرار داد. واقعیت این است که، در ماه های اخیر، افزون بر حرکت پیروزمند نفتگران ده ها حرکت کارگری دیگر نیز در میهن ما رخ داده است، که هر یک واجد اهمیت ویژه ای است.

جنبش اعتراضی طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان در راه تامین منافع صنفی-رفاهی، نظیر توقف روند خصوصی سازی، افزایش سطح دستمزدها مطابق نرخ واقعی تورم، پرداخت به موقع دستمزدها و تامین امنیت شغلی و ممانعت از تعطیلی کارخانجات و واحدهای تولیدی و خدماتی، در سطح وسیع، در کشور جریان دارد. روزنامه کیهان، در تاریخ ۲۳ خرداد ماه، به نقل از مدیر کل کار و امور اجتماعی استان کرمانشاه نوشت: «واحدهای صنعتی - تولیدی در کرمانشاه به دلیل مواجه شدن با یک سری مشکلات در آستانه رکود و تعطیلی قرار گرفته و امنیت شغلی بیش از ۲۵۰۰ کارگر شاغل در معرض خطر جدی قرار دارد.»

همین مقام مسئول وزارت کار در کرمانشاه، اضافه کرد که، در کارخانه های نساجی غرب و فرش بیستون، تعدیل نیروی انسانی بیش از ۳۰۰ کارگر، و اخراج تعداد دیگری از کارگران این دو کارخانه بر نگرانی ها افزوده است. مسئولان مجتمع دامپرووری قدس، واحد مرغداری این مجتمع بزرگ را تعطیل کرده اند و در حال حاضر مشغول تعدیل (بخوان اخراج) کارگران این مجتمعند. در کارخانه روغن گریس باختر، از کارگران این کارخانه روز به روز کمتر شده تا جایی که امروزه فقط ۱۰ نفر کارگر در آن کار می کنند، مدیر کل کار استان کرمانشاه تصریح کرد که، بخش مهمی از کارگران اخراجی به سوی اعتیاد کشنده شده اند.

از سوی دیگر، به گزارش روزنامه های مجاز جمهوری اسلامی، در تاریخ ۳ خرداد ماه، گروهی از کارگران شاغل در کشت و صنعت پارس آباد مغان، با خواست پرداخت به موقع دستمزدها، دست از کار کشیدند و در برابر ساختمان اداری این شرکت تجمع کردند. در اوایل خرداد ماه، کارگران پیمانی شهرداری اردبیل با اعلام اعتصاب در برابر ساختمان شهرداری این شهر تجمع کردند و خواستار دریافت حقوق و مزایای خود شدند. این کارگران پیمانی اعلام داشتند که، ۶ ماه متوالی است حقوق نگرفته اند. کارخانه آرتاویل (لاستیک گلدستون) در اردبیل نیز شاهد اعتصاب بیکارچه کارگران بود. خواست اصلی اعتصاب کنندگان دریافت دستمزدهای معوقه و توقف اخراج و بازخرید کردن اجباری کارگران بود.

در استان زنجان، کارکنان اداره کل دامپزشکی و نیز اورژانس شهر زنجان با اعتراض به شرایط دشوار کاری و عدم امنیت شغلی، مشترکاً با برپایی یک گردهمایی در برابر فرمانداری زنجان، خواستار رسیدگی مسئولان ذی ربط به مشکلاتشان شدند. همچنین به گزارش روزنامه کار و کارگر، به تاریخ اول مرداد ماه امسال، کارگران کارخانه تولیدی نخ امیدان زنجان، در اعتراض به تعطیلی این واحد تولیدی و بیکاری کارگران، با تحصن در برابر کارخانه، طوماری را امضاء کردند و بازگشایی این کارخانه را که بیش از ۲۰ سال سابقه فعالیت دارد، خواستار شدند. با تعطیلی این کارخانه، دهها کارگر بلامتکلیف می شوند.

در استان اصفهان، در اغلب مراکز صنعتی و تولیدی، تنش و ناآرامی وجود دارد. در روزهای ۱۰ و ۱۱ تیرماه سال جاری، کارگران کارخانه بافت ناز اصفهان در برابر در این کارخانه تجمع کردند و نسبت به تعطیلی آن اعتراض کردند. کارگران، بدون دریافت حقوق و مزایای خود بیکار شده اند و وضعیت نامعلومی دارند. در کارخانه نخ تاب اصفهان، بیش از ۵۴۰ تن از کارگران با برپایی راه پیمایی، خواستار دریافت دستمزدهای معوقه خود شدند. بنا به گزارشات رسمی، در اواخر تیرماه کارگران برخی واحدهای ذوب آهن اصفهان در اعتراض به شرایط سخت کار و خواست افزایش دستمزدها مطابق نرخ واقعی تورم، طوماری را امضاء و تهدید به اعتصاب کردند. روزنامه انتخاب، در تاریخ ۳۰ تیرماه، خبر تجمع اعتراضی کارکنان وزارت کشاورزی در مقابل این وزارتخانه را انتشار داد. کارکنان معترض حل مشکل مسکن خود و عملی شدن قول های مسئولان وزارت



## گزارشی از جنبش اعتراضی کارگران ...

مرکزی تولید در ۳۸ دیگ احیای آلومینیوم شرکت ایرالکو متوقف شد. قرار است از تولید در ۱۴۰ دیگ دیگر این واحد جلوگیری شود. به همین دلیل خطر بیکاری ۸۰۰ کارگر وجود دارد.

در یک تجمع اعتراضی دیگر، کارگران شرکت فراسا در ساوجبلاغ، در مقابل وزارت کشور خواستار حقوق عقب افتاده شش ماهه خود و تضمین امنیت شغلی خود گردیدند. کارگران معترض، در گفتگو با روزنامه کار و کارگر، ۱۰ مرداد اعلام کردند که، بانک صنعت و معدن به بهانه های مختلف سال گذشته ۲۵۰ تن از کارگران این شرکت را بازخرید کردند و در صدد هستند تا ۴۳۰ نفر کارگر باقی مانده را نیز اخراج کند. کارگران در ضمن با تشریح اقدامات قبلی خود همچون مسدود کردن جاده، تجمع در مقابل خانه کارگر ساوجبلاغ و ساختمان بانک صنعت و معدن، که با تهدیدهایی هم همراه بود، ناامیدی خود را از مسئولان دولتی ابراز داشتند. کارگران گفتند که، برغم تمامی قول های داده شده، تاکنون به هیچ یک از خواست های آنان عمل نگردیده است.

روزنامه کار و کارگر، ۱۱ مرداد، خبر داد که، کارگران شرکت جهاد تعاون کردستان در سنندج، در پی اقدام به واگذاری این واحد به بخش خصوصی در بلائیکلیفی و سرگردانی بصری می برند. حدود یکصد کارگر شاغل به کار در این شرکت مشغول بکار بوده اند، که ۴۳ نفر از آنان بازخرید و مابقی در انتظار سرنوشتی همانند هستند.

به گزارش کار و کارگر، ۱۲ مرداد، ۱۵۰ تن از کارگران شرکت «نخ کار» در مقابل سازمان گسترش مالکیت واحدهای تولیدی تجمع اعتراضی کردند. کارگران خواستار، حقوق منظم و عقب افتاده خود از حدود سه سال پیش تاکنون گردیدند. کارگران در این تجمع اعتراضی، خشم خود را نسبت به بی اعتنائی مسئولان دولتی در این زمینه نیز ابراز داشتند. آنها معتقدند که در این زمینه هیچ مقام دولتی در جهت خواست های آنان اقدامی نمی کند.

کار و کارگر، ۱۸ مرداد، نوشت که، ۲۷ تن از کارگران اخراجی شرکت «اروم آرا»، خواستار بازگشت به کار خود شدند. کارگران مزبور همه قرارداد دائمی و سابقه کاری بین ۱۵ ماه تا ۹ سال داشته اند. مسئولان شرکت تنها شرط بازگشت به کار آنها را منوط به کار پیمانی یا قراردادی کرده اند. چنین ترفندهایی به وفور از سوی کارفرمایان بر ضد کارگران به مورد اجرا در می آید. با چنین ترفندهایی کارفرمایان بسیاری از حقوق کارگران را پایمال می کنند که نتیجه آن استثمار هر چه بیشتر کارگران است.

کار و کارگر، سه شنبه ۱۵ مرداد، از قول کارگران شرکت نساجی شمال، واقع در شهر صنعتی رشت، نوشت: «بیش از ۳۵ ماه است که کارگران این شرکت بلائیکلیف هستند. نه حقوقی می گیرند و نه کسی به دادشان می رسد. نه تامین اجتماعی، نه اداره کل صنایع گیلان، نه استانداری و نه هیچ مسئولی در جهت رفع مشکلات کارگران قدمی بر نمی دارد.» در خبری دیگر، در همان روز، اعلام شد که، کارخانه ریسندگی و بافندگی اعتمادیه بوشهر، با بیش از ۵۰ سال سابقه فعالیت، به علت وجود پاره بی از مشکلات در آستانه تعطیلی است و بیش از ۳۰۰ کارگر این کارخانه با خطر بیکار شدن روبه رویند.

کارگران بخش چرخ کش آجر ماشینی آذر سفال ارومیه با ارسال نامه بی به روزنامه کار و کارگر که در ۲۳ مرداد به چاپ رسیده خبر اخراج قریب الوقوع خود را می دهند.

به گزارش روزنامه کار و کارگر، چهارشنبه ۱۹ مرداد، رئیس اداره کار کاشان اعلام داشت: «طی یک سال گذشته تاکنون ۱۵۰ واحد تولیدی فرش ماشینی در کاشان تعطیل شده است و کارگران این واحدها از کار بیکار شده اند»، معاون سیاسی - امنیتی استانداری قزوین نیز اعلام داشت که ۹۰ واحد تولیدی - صنعتی استان قزوین با مشکلات تقدینگی، فرسودگی دستگاه، عدم بازار فروش مواجه اند. (کار و کارگر، ۲۴ مرداد). دبیر اجرایی خانه کارگر گیلان با ابراز نگرانی از وضعیت کارخانجات و بیکاری کارگران استان گفت: «کارخانجاتی مانند نساجی شمال، گیلتان - ایران جیکا - آسانسور و پله برقی گیلان - قطعات یدکی گیلان - گیلان پاکت - ترنج طلایی - توم ماکارون - خانه سازی رضوانشهر - کفش گنجه - نختاز - شیر پاستوریزه - آحاد سیستم - نازپوش -

آریا موکت - رنگسازی سراوان - شفاف شیشه - جوراب گیلان - صنایع چوب اسالم - فرش گیلان - و بسیاری کارخانجات دیگر به تعطیلی کشیده شده اند، و کارگران از ۲ تا ۴۰ ماه حقوق دریافت نکرده اند و در وضعیت بسیار بدی بسر می برند» (کار و کارگر ۲۹ مرداد). صنایع چوب ایران وابسته به بانک های ملی و مسکن نیز تعطیل شد و حدود ۳۰۰ تن از کارگران آن بازخرید و بیکار گردیدند. در میان این کارگران، کارگرانی با سابقه نزدیک به ۳۰ سال نیز وجود داشته اند (کار و کارگر ۳۰ مرداد).

روزنامه جمهوری اسلامی، شنبه ۱۹ شهریور خبر داد که بیش از یکصد نفر از کارکنان شهرداری دهلران به علت عدم پرداخت حقوق و مابه التفاوت و حق ماموریت و اضافه کار، ضمن خودداری از حضور در سر کار، با تجمع در محل شهرداری به تحصن پرداختند و خواستار رفع مشکلات موجود شدند.

بیش از ۴۰۰ نفر از کارکنان و کارگران پارچه بافی فرصتیان، در روز ۲۲ شهریور، در مقابل استانداری فارس تحصن کردند و با مسدود کردن خیابان، عبور و مرور را متوقف ساختند. کارکنان این شرکت، به علت اختلاس مالی، نزدیک به سه سال است در وضعیت بلائیکلیفی بسر می برند.

ایسنا، یکشنبه ۱۰ مهر ماه، خبر داد که، تعدادی از کارگران مجتمع صنعتی شباب غرب کرمانشاه، در مقابل استانداری کرمانشاه دست به تحصن زدند. متحصنین هدف خود را از این عمل، اعتراض به تعویق در پرداخت حقوق و دستمزد سه ماهه خود و تهدید به اخراج ۱۰۰ نفر از کارگران اعلام کردند. روزنامه کیهان، چهارشنبه ۱۳ مهر ماه، نوشت که، کارگران نساجی شماره ۲ و ۳ قائم شهر در اعتراض به عدم دریافت مطالبات معوقه در مقابل فرمانداری این شهر تجمع کردند. در این تجمع، که بیش از ۱۰۰۰ نفر شرکت کرده بودند، یکی از کارگران معترض، علت اجتماع را پیگیری وعده فرماندار و سایر مسئولان در پرداخت حقوق و بن های معوقه کارگران ذکر کرد که تا کنون به این وعده عمل نشده است.

به گزارش کیهان، شنبه ۱۶ مهر ماه، کارگران کارخانه جیت سازی بهشهر، در اعتراض به عدم دریافت مطالبات ۹ ماهه خود، دست از کار کشیدند. ۱۸۰۰ کارگر این کارخانه در این تجمع اعتراضی حضور داشته اند. این اعتراضات، بر اساس آخرین خبرها، تا تاریخ ۲۷ مهر ماه همچنان ادامه داشته است. بنا به گزارش روزنامه کیهان، در تاریخ پنجشنبه ۵ آبان ماه، با اختصاص ۵ میلیارد ریال اعتبار از سوی رئیس جمهوری، برای حل بحران بیکاری و تعطیلی کارخانه جیت سازی بهشهر، اعصاب یک هفته ای کارگران بیکار شده این واحد تولیدی پایان یافت. به دنبال پیروزی کارگران شرکت ملی حفاری نفت ایران، این دومین پیروزی مهم کارگران در مقابله با سیاست خانمان برانداز و ضد کارگری خصوصی سازی بود، که با پایداری، اتحاد و یکپارچگی کارگران، منجر به پیروزی آنها گردید.

به گزارش روزنامه کیهان، در تاریخ ۱۶ مهر ماه، قریب به یکصد نفر از پرسنل زحمتکش شرکت جهاد نصر خوزستان، به علت عدم دریافت حقوق معوقه خود، مقابل استانداری خوزستان اجتماع اعتراضی، بر پا داشتند. آنان در اعتراض به بی توجهی دست اندرکاران مسئول خواهان رسیدگی فوری به وضعیت شغلی و دریافت حقوق معوقه خود شدند.

در اعتراض به عدم دریافت حقوق، ۱۵۰۰ تن از کارگران کارخانه ریسندگی و بافندگی سیمین اصفهان، روز ۲۷ مهر ماه، در مقابل کارخانه دست به تحصن زدند. به گفته کارگران، نزدیک به ۵۰۰ نفر از کارگران بخش ریسندگی به دلیل عدم وجود مواد اولیه و نبود کار، بیکار گردیده اند. نزدیک به یک سال است که حقوق و مزایای قانونی این کارگران پرداخت نگردیده است.

آنچه مورد اشاره قرار گرفت، گوشه هایی از مبارزات کارگران و زحمتکشان در راه تامین خواست های بحق و منافع صنفی - رفاهی آنان است. رژیم ولایت فقیه، بدون کمترین احساس مسئولیت، نقش اصلی را در فاجعه زندگی کارگران و زحمتکشان بر عهده دارد. در ارزیابی دقیق این حرکات اعتراضی، و سنجش کمی و کیفی آن، این نتیجه گیری منطقی بدست می آید که، بدون وجود تشکل های مستقل صنفی - سندیکایی و بدون پیوند مبارزات پراکنده به یکدیگر، کارگران و زحمتکشان در تامین منافع صنفی خود، کامیابی مهمی کسب نخواهند کرد.





## ادامهٔ تداوم روند اصلاحات و به سرانجام...

مدافع اصلاحات و گسترش تهاجم سازمان یافته نیروهای امنیتی و سرکوبگر، زیر کنترل «ولی فقیه»، به نیروهای اجتماعی مدافع اصلاحات، خصوصاً جنبش دانشجویی، جوانان، کارگران و زحمتکشان و زنان مبارز میهن ما، به توپ بستن مجلس مدعی دفاع از اصلاحات با صدور «حکم حکومتی»، و در واقع، اعلام بی حقوقی نمایندگان منتخب مردم، و بی برنامه‌گی و بی عملی رهبری جنبش اصلاحات در برابر این تهاجمات گسترده، و طرح شعار ناروشن و منفعل «آرامش فعال»، که پیامی و راهبردی جز ساکت نشستن و صبر کردن تا انتخابات بعدی ریاست جمهوری را به همراه نداشت، بحث‌ها و انتقادات جدی را از رهبری سیاسی جنبش اصلاح طلبی به همراه داشت، که نتیجه لبریز شدن کاسه صبر توده‌ها از ادامه حاکمیت «قانونی» استبداد بر میهن ماست.

در مقابل این نظریه، حزب تودهٔ ایران از همان فردای پیروزی جنبش مردمی در دوم خرداد ۱۳۷۶، ضمن هشدار باش پیرامون توطئه‌های سهمگین شکست خوردگان و مرتجعان حاکم، اعلام کرد که، سرنوشت جنبش مردمی را نمی‌توان با ریزنی در بالا و امید باطل قبول اصلاحات از سوی کسانی که مسبب حاکم شدن رژیم استبدادی بر میهن ما هستند و با روند اصلاحات تضادی آشفتنی ناپذیر دارند، رقم زد. حزب ما در مقالات متعددی خطاب به نیروهای شرکت کننده در روند اصلاحات، اعلام کرد که، ضعف و عدم سازمان یافتگی جنبش توده‌ای چشم‌اسفندیار روند اصلاحات است که می‌تواند خطرات مهلکی را با خود به همراه داشته باشد.

حزب ما، در آخرین نشست وسیع کمیتهٔ مرکزی، در اردیبهشت ماه سال جاری، ضمن ارزیابی جنبش اصلاح طلبی در ایران و ضمن برخورد با برداشت نادرست رهبری سیاسی این جنبش از چگونگی به پیش بردن امر اصلاحات، به این نتیجه مهم رسید که: «حزب ما نیروهای اجتماعی شرکت کننده در جنبش یعنی کارگران و زحمتکشان، جوانان، دانشجویان، زنان، روشنفکران مترقی، هنرمندان و نویسندگان را نیروی اساسی محرکه اصلاحات و مبارزه در راه آزادی و عدالت اجتماعی در میهن ما می‌داند... جبهه ائتلاف دوم خرداد، جبهه بی است که در سه سال گذشته کم‌کم به شکل یک تشکل، شامل بیش از ۱۸ سازمان سیاسی - اجتماعی، حول دفاع از دولت بخاتمی و مقابله با نیروهای انحصارگرا و مدافع استبداد و خشونت، شکل گرفته و در روند رویدادهای ایران تأثیر می‌گذارد و نقش خود را ایفاء می‌کند. عمده ترین ضعف این ائتلاف را ایجاد مرزهای «خودی - و غیر خودی» و تزلزل و ناپیگیری در ایجاد تحول در شیوه حکومت مداری ایران، و حرکت از دیکتاتوری به سمت حکومت مردمی باید دانست... در این جبهه، خصوصاً آن بخش از نیروها که اعتقاد عمیقی به حفظ «نظام اسلامی» دارند، از شرکت فعال توده‌ها در مقابله با رژیم شدیداً در هراسند و آماده نیستند که از عامل توده‌ها در مقابله با ارتجاع فعالانه استفاده مستقیم کنند.» (از اسناد پلنوم (وسیع) کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران - اردیبهشت ۱۳۷۹). حزب ما در همین نشست، ضمن نادرست دانستن اتکای جنبش به این فرد یا آن فرد برای پیش بردن اصلاحات ضرورت تلاش در راه سازمان دادن جنبش مردمی و ارتقاء کیفی آن را به یک نیروی منسجم برخوردار از برنامه و سازمان یافته، از جمله مهمترین وظایف پیش روی جنبش و نیروهای مترقی ارزیابی کرد.

در هفته‌های اخیر، در پی تشدید بحران روند اصلاحات و ادامهٔ گسترش تهاجمات نیروهای ارتجاعی و نشانه رفتن انتخابات ریاست جمهوری آینده و تلاش برای از صحنه خارج کردن خاتمی و اجرای سناریوی انتخابات فرمایشی از نوعی که رفسنجانی‌ها بتوانند در آن از صندوق‌های قلبی رأی بیرون بیاورند، ما شاهد نشانه‌های مثبتی هستیم از رشد درک واقع‌گرایانه نیاز به سازمان دهی نیروهای اجتماعی برای مقابله با خطرانی که جنبش را تهدید می‌کند، که توجه به آن حائز اهمیت است. روزنامه «همبستگی»، در سرمقاله روز سه شنبه ۳ آبان خود دربارهٔ روند اصلاحات از جمله می‌نویسد: «۱. مردم موتور

اصلاحات و توسعه‌اند و مصلحان و نخبگان استارت آن هستند. از این رو متولی اصلاحات مردم و نهادهای مدنی‌اند و نه نهاد های قدرت. ۲. هرگز قدرت نمی‌تواند موتور اصلاحات نامیده شود ولو رئیس جمهوری که منتخب آرای مستقیم مردم باشد.»

همچنین «عصر ما»، ارگان سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، و از جمله نیروهایی که شدیداً و اکیداً مدافع حفظ مرزهای «خودی و غیر خودی» است، در سرمقاله شماره ۱۸۴، مورخ چهارشنبه ۳۰ مهرماه ۱۳۷۹، می‌نویسد: «آن نقطه ضعف و آسیب‌پذیری که موجب توفیق مخالفان اصلاحات شد و به آنان امکان داد تا پس از انتخابات ۲۹ بهمن به تحرکاتی گسترده دست بزنند، ناتوانی اصلاح طلبان در تبدیل نیروی اجتماعی حامی خود به قدرت عملی و موثر در صحنه بود. به همین علت علیرغم انضمام مجلس به جریان اصلاح طلبی و تغییر بالانس قدرت نهادین در سطح قوای سه‌گانه نظام، با توجه به فعال شدن کانون‌های قدرت غیر رسمی پس از انتخابات، بالانس قدرت واقعی تغییری پیدا نکرد.» و نتیجه اینکه: «اما تبدیل نیروی اجتماعی به قدرت عملی و موثر که تنها از طریق تشکل و سازماندهی نیروهای اجتماعی برای گسترده کردن و تبیین مبارزه اصلاحی در چارچوبهای قانونی و مسالمت‌آمیز امکان پذیر است و فرآیند عقلانی کردن مطالبات و انتقال آن را به حاکمیت تسهیل می‌کند، نه از مجلس ساخته است نه از دولت و نه از مطبوعات...» در این اظهار نظر، ضمن توجه به هسته‌های مثبت و درست درکی که کم‌کم در طیفی از نیروهای سیاسی مدافع اصلاحات رو به رشد است، هنوز می‌توان دید که گرچه آگاهی اساسی درک نادرست و خوشبینانه از ساختار حاکمیت سیاسی در میهن ماست.

ما، برخلاف این نظر، که معتقد است پس از انتخابات اگر چه «بالانس قدرت نهادین در سطح قوای سه‌گانه» به نفع اصلاحات تغییر کرد ولی به علت «فعال شدن کانون‌های قدرت غیر رسمی» جنبش اصلاحات نتوانست برنامه‌های خود را به پیش ببرد، این چنین ارزیابی‌هایی چیزی جز چشم بستن بر حقیقت‌عریان ساختار حاکمیت سیاسی بر میهن مان نمی‌دانیم. مشکل روند اصلاحات نه فعال شدن کانون‌های غیبی بلکه سد «قانونی» اصلاحات یعنی وجود ساختار «ولایت فقیه» به عنوان نهادی بر فراز قانون و خواست و نظر توده‌هاست. ما در همین هفته‌های اخیر، بدفعات از مرتجعانی همچون خزعلی‌ها، مصباح‌زیدی‌ها، جنتی‌ها و دیگران شنیده‌ایم که همه قوای سه‌گانه و حتی نظر و خواست مردم بدون تأیید «ولی فقیه» پیش‌ریزی ارزش ندارد و ملاک عمل در «ایران اسلامی» خواست و نظرات «ولی فقیه» است. تهاجم وسیع قوه قضائیه به منظور بستن نشریات مدافع اصلاحات، دستور «ولی فقیه» برای متوقف کردن «اصلاحات آمریکایی» و آغاز «اصلاحات اسلامی»، یعنی تأمین حاکمیت مرتجعان و سرکوب حقوق مردم، تهدیدهای مستقیم نیروهای سرکوبگر همچون سپاه پاسداران و دیگر نیروهای انتظامی و زیر نظارت مستقیم «ولی فقیه» را «فعال شدن کانون‌های غیر رسمی» خواندن، چیزی جز خاک پاشیدن به چشم توده‌ها نمی‌توان دانست. معضل اساسی جنبش مردمی، همچنان که حزب تودهٔ ایران، سه روز پس از انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶ اعلام کرد، رژیم «ولایت فقیه» است، که سد راه تحولات بنیادین، دموکراتیک و پایدار در میهن ماست، و بدون حضور موثر و سازمان یافته توده‌ها در صحنه مبارزه نمی‌توان به آینده روند اصلاحات امیدوار بود، یعنی درکی که سید محمد خاتمی، رئیس جمهوری در سخنان اخیر خود دربارهٔ تأکید بیش از حد به شخصیت‌ها به آن اشاره کرد و گفت که تحولات اساسی بدون حضور توده‌ها امکان پذیر نیست.

حزب تودهٔ ایران، ضمن استقبال از گسترش و تعمیق اندیشه‌های واقع‌بینانه‌تر دربارهٔ چگونگی تداوم روند اصلاحات در ایران، باردیگر بر این نکتهٔ اساسی تأکید می‌کند که، معضل اساسی جامعه ما و روند اصلاحات، حاکمیت رژیم «ولایت فقیه»، به عنوان نماد روشن استبداد، خودسری و بی‌قانونی است، و این سد راه تحولات بنیادین و دموکراتیک را تنها با اتکاء به نیروی سازمان یافته توده‌ها: کارگران، زحمتکشان، جوانان، دانشجویان و زنان مبارز میهن مان می‌توان از میان برداشت.



## ادامه انقلاب اکبر بزرگ ترین انقلاب ...

سرمایه داری هار و خشنی حکمفرماست، برهان شکست انقلاب اکبر دانست.

این مداحان سرمایه داری از درک این حقیقت عاجزند که حتی همین تجربه ده ساله اعاده سرمایه داری در کشورهای سوسیالیستی سابق و حکومت فقر و شکاف های طبقاتی عمیق در این جوامع که مورد تایید هر ناظر بی طرف و منصفی است و جنبش نیرومند خلقی در اکثر کشورهای سوسیالیستی برای اعاده حکومت سوسیالیستی و عدالت اجتماعی، نمایشگر حقانیت اکبر و جاودانگی پیام آن است.

اهمیت انقلاب اکبر قبل از هر چیز به دلیل ایجاد شکاف عمیق و بی عدالتی است که در جبهه سرمایه وارد کرد و تجربه ساختمان جامعه عاری از استثمار و بهره کشی و تفاوت های طبقاتی را آغاز کرد. انقلاب اکبر به سوسیالیسم علمی مارکس و انگلس، که تا آن روز تنها یک آموزش انقلابی و یک جنبش اجتماعی بود، جامعه عمل پوشاند، و نتیجه گیری های مهم تئوریک مارکس و انگلس از انقلاب کمون پاریس - در باره ضرورت استقرار دیکتاتوری پرولتاریا، یعنی اعمال حاکمیت اکثریت زحمتکش جامعه، به عنوان شرط اساسی انتقال از جامعه طبقاتی به جامعه بدون طبقات - تحقق بخشید.

## انقلاب اکبر و مارکسیسم

لنین، رهبر کبیر انقلاب اکبر، در تدوین طرح های تاکتیکی و استراتژیک حزب بلشویک درک پیگیر و خلاق خود از مارکسیسم را به نمایش گذارد. او خود می گفت: «ما تمام و کمال بر تئوری مارکس تکیه داریم» با اینهمه اذعان داشت که جهان و روسیه در ابتدای قرن بیستم در دورانی متمایز با دوران مارکس به سر می برند و بنابراین با هر گونه برخورد جزم گرایانه با آموزش های مارکس و هر گونه تلاشی برای تبدیل مارکسیسم به مجموعه ای از احکام و فرمول های خشک و بی جان با قاطعیت مرزبندی می کرد.

لنین با تکیه بر واقعیت زندگی جامعه در عرصه های گوناگون و تحلیل درست و جامع آنها، تئوری بنیاد گذاران مارکسیسم را پیوسته برای پاسخگویی به توقعات روزافزون دوران نوین تکامل جهان آماده نگاه می داشت. او در مقاله «برنامه ما»، نوشت: «ما تئوری مارکس را به هیچ وجه یک چیز به کمال رسیده که نتوان دست به ترکیش زد نمی دانیم و بر عکس معتقدیم که این تئوری فقط سنگ های بنیادین دانشی را کار گذاشته است که سوسیالیست ها، اگر نخواهند از پویه زندگی واپس مانند، باید آن را در تمام جهات به پیش برانند.»

لنین، بر پایه تحلیل عمیق و همه جانبه، مرحله امپریالیستی سرمایه داری، تئوری مارکسیستی انقلاب سوسیالیستی را با یک سلسله احکام اصولی تازه بسیار مهم و از جمله تنوع اشکال گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم غنی ساخت. تئوری لنینی انقلاب سوسیالیستی، در آمیزی شرایط عینی و ذهنی انقلاب و قانونمندی های روند انقلاب جهانی، مرحله تئوری مارکسیستی انقلاب است. این تئوری را به هیچ وجه نمی توان نه در نقطه مقابل تئوری مارکس و انگلس قرار داد و نه تکرار مکانیکی آن دانست. تمامی نظریه لنینی انقلاب سوسیالیستی بر بنیاد تحلیل تناسب و پیوند میان شرایط عینی و ذهنی گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم استوار است. عدم توجه به پیوند دیالکتیکی آنها، بها دادن به یکی و کم بها دادن به دیگری کار را به آوانتاریسم (ماجراجویی) و یا به ابورتونیسیم (فرصت طلبی) می کشاند. عامل عینی قانونمندی های عینی تاریخ و عامل ذهنی و فعالیت آگاهانه انسان ها دو جانب کاملاً پیوسته هستند و با یکدیگر پیوند ناگسستنی دارند.

فعالیت خستگی ناپذیر حزب لنین که از سال ۱۹۰۳ تا سال ۱۹۱۷، یعنی طی پانزده سال به اشکال گوناگون علنی و غیر علنی، مسالمت آمیز و قهر آمیز، آرام و طوفانی، نهان و عیان، محفلی محدود،

توده ای گسترده، پارلمانی و غیره، بر ضد تزاریسم بیکار کرده بود، نهایتاً با پیروزی انقلاب سوسیالیستی در ۲۵ اکتبر سال ۱۹۱۷ (۷ نوامبر به تقویم جدید) به ثمر نشست. با پیروزی انقلاب اکبر دوران نوینی در تاریخ انسانیت، یعنی دوران گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم، آغاز گردیده است.

انقلاب اکبر اثراتی شگرف در همه حوادث دوران معاصر باقی گذاشت. در اثر پیروزی این انقلاب، در شروع ساختمان جامعه سوسیالیستی، تحولات عظیمی در سراسر جهان صورت گرفت. جنبش های ترقی خواهانه در سراسر جهان در نتیجه پیروزی انقلاب اکبر وارد مرحله نوینی گردیدند، و در پرتوی مشعل فروزنده انقلاب حرکت قانونمند تاریخی خود را در جهت رهایی بخشی توده کار و زحمت و استثمار شوندگان و مستعمرات گسترش دادند. خلق های جهان با مشاهده دستاوردهای انقلاب اکبر، به این باور رسیدند که حل معضلاتی از قبیل جنگ و بحران، بیکاری، جهل، فقر، تضاد فاحش طبقاتی، ستم ملی و نژادی، فساد و انحطاط فرهنگی و دیگر معایب جوامع سرمایه داری تنها از عهده یک تحول بنیادی در جهت نظام سوسیالیستی عملی است، باورمند شدند. تجربه نوع ایجاد جامعه سوسیالیستی در روسیه و بعداً در اتحاد شوروی، تحت رهبری حزب کمونیست درس های فراوانی را در رابطه با چگونگی عملی پیشبرد ساختمان سوسیالیسم و راه های موفقیت آمیز جذب و بسیج زحمتکشان جهت شرکت در این مهم، به همراه داشته است. این تجربه سنگ پایه مهمی در کوشش های آینده برای ساختمان سوسیالیسم در کشورهای جهان است.

## انقلاب اکبر و ایران

پیروزی انقلاب اکبر اثر عمیقی در شکل گیری روابط کیفیتا نوین بین المللی داشت. مبارزه پیگیر، مبتکرانه و همه جانبه کشور اتحاد شوروی در راه صلح و امنیت جمعی و دوستی و همکاری خلق ها، در بیش از ۷ دهه حیات خود، شرایط لازم برای ایجاد تغییرات بنیانی در کشورهای متعدد بوجود آورد. سیاست صلح و همزیستی و تشج زدایی مایه تقویت جنبش های انقلابی و رهایی بخش و دموکراتیک در بخش های وسیعی در جهان گردید. پیروزی خلق های ویتنام، لائوس و کامبوج بر امپریالیسم آمریکا و رهایی کشورهای آفریقا از قید استعمار و یک سلسله تحولات مثبت دیگر در مناسبات بین المللی فقط به برکت دستاوردهای انقلاب اکبر ممکن گردید.

انقلاب اکبر برای میهن ما ایران، یک تحول مثبت، رهایی آور و سعادت بخش بود، زیرا که این انقلاب موجب لغو قراردادهای اسارت بار ۱۹۰۷ و ۱۹۱۵ دایر به تقسیم ایران بین امپریالیسم انگلستان و تزاریسم روس، قرارداد اسارت بار ۱۹۱۹ دایر به تبدیل ایران به تحت الحمایه امپریالیسم انگلستان، و نیز لغو یک سلسله امتیازات سیاسی، اقتصادی و نظامی تزاریسم در ایران، لغو کاپیتولاسیون و استقرار روابط برابر حقوق حسن همجواری بین ایران و همسایه شمالی شد. پس از استقرار حاکمیت شوروی، سیاست خارجی دولت شوروی در رابطه با ایران پیوسته متوجه تقویت استقلال اقتصادی و سیاسی آن بود. اتحاد شوروی نه فقط ایران را از هجوم ددمنشانه فاشیسم در اثر دفاع قهرمانانه از سرزمین خویش حفظ کرد، بلکه با نقشه انگلیسی و آمریکایی تقسیم ایران پس از جنگ دوم جهانی که در واقع احیاء نقشه ۱۹۰۷ بود، مخالفت ورزید و موجب شکست این نقشه خیانت بار شد.

موافقتنامه همکاری های صنعتی بین ایران و اتحاد شوروی در دهه ۴۰، طلسم روند صنعتی شدن کشور را که دهه ها به دلیل خرابکاری عالمانه و عامدانه امپریالیست ها متوقف مانده بود، شکست. ایجاد صنایع ذوب آهن و ماشین سازی مبانی قابل توجهی برای صنعتی شدن کشور به وجود آورد. پیروزی انقلاب اکبر و سیاست های کشور شوروی نه فقط در اعتلاء سیاسی و اقتصادی، بلکه در بیداری کشور ما تأثیری عظیم داشت. جنبش های ترقی خواهانه و انقلابی ایران در نبرد خود برای دموکراسی و استقلال و صلح پیوسته مورد پشتیبانی و حمایت دولت شورواها بود.

انقلاب بهمن ۵۷ مورد حمایت همه جانبه اتحاد شوروی واقع گردید و در واقع این موضع فعال مانعی عمده بر سر راه دخالت های مستقیم امپریالیستی برای



## بدرود رفیق «گاس هال»

پیام تسلیت کمیته مرکزی حزب توده ایران به کمیته ملی حزب کمونیست آمریکا



مدافع انقلاب بهمن ۱۳۵۷ بود و با دقت و علاقه تحولات میهن ما و مبارزه بی که توسط حزب توده ایران برای دموکراسی، آزادی و عدالت اجتماعی به پیش برده می شد، دنبال می کرد. رفیق گاس هال بشدت یورش وحشیانه رژیم بر ضد حزب توده ایران را محکوم کرد و یار وفادار کارگران و زحمتکشان ایران و حزب ما بود.

در بزرگداشت خاطره و زندگی رهبر کمونیست های آمریکا، حزب توده ایران، گرم ترین دروهای رفیقانه خود را به شما تقدیم می کند و برای حزب کمونیست آمریکا در پیکار دشوارش موفقیت و پیروزی

آرزومندست. ما امیدواریم که روابط بسیار حسنه و گرم میان دو حزب ما در آینده هرچه بیشتر گسترش یابد. ما تسلیت عمیق خود را به کمیته ملی حزب کمونیست آمریکا، خانواده و دوستان رفیق گاس هال تقدیم می داریم.

مطلع شدیم که رفیق «گاس هال»، کمونیست نامدار و صدر پیشین حزب کمونیست آمریکا، جهان را بدرود گفت. بدین مناسبت پیامی از سوی کمیته مرکزی حزب توده ایران به کمیته ملی حزب کمونیست آمریکا ارسال شد که در زیر متن آن را به اطلاع خوانندگان «نامه مردم» می رسانیم.

«رفقای عزیز  
کمیته مرکزی حزب توده ایران، با تأثر زیاد خبر درگذشت رفیق گاس هال، کمونیست نامدار و انقلابی، صدر سابق حزب کمونیست آمریکا را دریافت کرد. کمونیست های ایرانی، اعضا و هواداران حزب توده ایران، برای سال های طولانی با مبارزه و کار انقلابی رفیق گاس هال آشنا بودند و به پیکار او در راه دفاع از آرمان های سوسیالیسم، و هدایت توسعه حزب کمونیست آمریکا، در دوران دشوار، و روشنی پیام او برای ادامه پیکار به دیده احترام می نگریستند. کمونیست ها در گوشه و کنار جهان، از جمله کمونیست های ایرانی، از نزدیک با نوشته های رفیق گاس هال که در مجله «هفتگی دنیای مردم» و در مجله «مسایل بین الملل» منتشر می شد آشنا بودند و از آنها بهره می جستند. او نویسنده بی زبردست در طرح روشن و بررسی مسایل بفرنج و پیچیده بود.

به عنوان یک فعال کمونیست اتحادیه های کارگری، رفیق گاس هال در راه تصفیه «فدراسیون کار آمریکا» (AFL - CIO) از سیاست های ارتجاعی و تأمین منافع کارگران آمریکایی رزمید. او در آخرین سالهای عمر خود میوه این تلاش ها و نبرد کمونیست های آمریکایی را در اوج گیری روح مبارزه طلبی در جنبش کارگری آمریکا، در دهه ۹۰ به روشنی دید. رفیق گاس هال پیگیرانه برضد تجاوزات امپریالیسم در آمریکای مرکزی و لاتین فعالیت کرد. او همچنین یکی از پیشنهاداران جنبش بر ضد جنگ ویتنام بود.

خاطره رفیق گاس هال به عنوان یک کمونیست واقعی و مبارز راه آزادی در صفحات قرن بیستم تاریخ آمریکا، بخصوص در سالهای پس از ۱۹۴۵ به ثبت رسیده است و نام او در کنار قهرمانان دیگر طبقه کارگر و همچون بیل هی وود و جو هیل به یاد خواهد ماند. اعضا و هواداران حزب توده ایران، ارثیه معنوی رفیق گاس هال را به عنوان مبارزی برجسته بر ضد هرگونه انحراف از مارکسیسم - لنینیسم، پیشتاز جنبش حقوق مدنی در آمریکا و دوست وفادار کوبا گرامی می دارند.

رفیق گاس هال به عنوان یک مبارزه ضد امپریالیست بخوبی از بفرنجی و اهمیت مبارزه بی که توسط طبقه کارگر و نیروهای مرفقی ایران برای تغییر جامعه به پیش برده می شد، مطلع بود. او

با دروهای رفیقانه  
کمیته مرکزی حزب توده ایران  
۱۸ اکتبر ۲۰۰۰ (۲۸ مهرماه ۱۳۷۹).

### ادامه انقلاب اکبر بزرگ ترین انقلاب ...

جلوگیری از سقوط رژیم منحل، وابسته و استبدادی شاه بود. شکست ساختمان سوسیالیسم در اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی سابق در اوایل دهه ۱۹۹۰ میلادی از اهمیت انقلاب اکبر و اثر جاودانی آن بر جهان نمی کاهد. کوشش های چندی در ارائه دلایل عینی و ذهنی، داخلی و خارجی سقوط سوسیالیسم در کشورهای سوسیالیستی شرق اروپا از سوی نیروهای معتقد به سوسیالیسم علمی و از جمله حزب توده ایران انجام پذیرفته است. بررسی های علمی و غیر مغرضانه قبل از هر چیزی به برخی انحرافات اصولی از مارکسیسم - لنینیسم در جریان ساختمان سوسیالیسم در کشورهای اروپای شرقی اشاره می کند. مبارزه زحمتکشان برای گسترش سوسیالیسم در جهان و غلبه آن بر سرمایه داری ادامه خواهد یافت. کمونیست ها از آنجا که معتقد نیستند که عدالت و سعادت اجتماعی سیمرخ افسانه بی است و بر پایه اعتقاد عمیق خود به اینکه بشریت قادر است آنچه نظام اجتماعی را پدید آورد، که در آن همه شهروندان، صرف نظر از تعلق شان به قشرها و طبقات مختلف زحمتکشان یدی و فکری و جنسیت و نژاد، فضای جغرافیایی سکونت، سوابق تاریخی، درجه تحول مدنی و غیره، بتوانند در قبال کار آفریننده یدی و فکری خویش، از دستاوردهای مادی و معنوی تمدن بشر، برای رفع نیازمندی های دائمی متنوع تر و فزاینده تر خود، برخوردار گردند، به مبارزه قانونمند خود ادامه می دهند. آویزه گوش آنان این پیام رهبر کبیر اکبر، لنین، است که گفت: «جنبش کارگری غلبه خواهد کرد و راه را به سوی صلح و به سوی سوسیالیسم خواهد گشود.»

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany  
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK  
3- <http://www.tudehpartyiran.org>

NAMEH MARDOM-NO:595

Central Organ of the Tudeh Party of Iran

31 October 2000

شماره فاکس و

تلفن پیام گیر ما

۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۲۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

نام  
IRAN e. V.  
شماره حساب  
790020580  
کد بانک  
10050000  
بانک  
Berliner Sparkasse



جمله اند، متن نامه ایوب سلیمی دانشجوی مصدوم حادثه تیرماه سال گذشته دانشگاه تبریز را عیناً نقل کرده تا موارد «پیشرفت» حقوق بشر در ایران برای همگان مشخص شود. ایسنا که این نامه را در تاریخ سه شنبه ۱۰ آبان مخابره کرده است به نقل از ایوب سلیمی که خطاب به نمایندگان مجلس نوشته شده است می نویسد: «اینجانب ایوب سلیمی در حادثه بیستم تیرماه ۷۸ دانشگاه تبریز با اصابت سه تیر به پای راست مجروح و به اتهام شرکت در راه پیمایی غیر قانونی که فقط استناد به جراحتم شد به یک سال حبس تعلیقی محکوم شده ام و مدت چهار ماه بدون محاکمه در زندان بسر برده ام. بنده عضو هیچ یک از تشکل های دانشجویی و غیر دانشجویی نیستم و به هیچ حزبی وابستگی ندارم و در روز حادثه فقط مطابق برنامه دانشجویی و صرفاً برای شرکت در امتحان به دانشگاه رفته بودم و بعد از امتحان در حال استراحت در جلوی دانشکده خودم بودم که مورد اصابت یک تیر قرار گرفتم. در حالی که مصدوم بودم و تقاضای کمک می کردم توسط افراد مسلح لباس شخصی که وارد دانشگاه شده بودند از نزدیک مورد اصابت دو گلوله مستقیم قرار گرفته و سپس بیهوش و دستگیر شدم. با دستور قضات دادگاه انقلاب با همان پای زخمی و در حالی که مورد عمل جراحی قرار نگرفته بودم، به زندان تبریز منتقل شدم و با پای مجروح و در شرایطی سخت به مدت ۲۸ روز در زندان بسر بردم که بعد از عفونت شدید و بدون رسیدگی به بیمارستان شهدای تبریز منتقل شدم. در دادگاه انقلاب، بدون وکیل و حتی بدون مشاهده قاضی و تفهیم اتهام، با یک سوال مبنی بر «آخرین دفاعیات خود را راجع به اتهام شرکت در تظاهرات غیر قانونی بنویس»، که آن هم به صورت کتبی بر روی یک میز قرار گرفته بود، مورد محاکمه قرار گرفتم و این در حالی است که در شرایط نامساعد جسمی و روحی قرار داشتم و حتی بر روی صندلی ها دراز کشیده و دفاعیات خود را نوشتم. شما وکلای این ملت هستید و من کاری با جناح بندی های سیاسی ندارم و فقط می خواهم وجدان خود را قاضی کرده و جواب سوالاتم را بدهید. آیا تیر خوردن آن هم به طور تصادفی و اتفاقی در داخل دانشگاه جرم است؟ یا کسی که مجروح بر روی زمین افتاده و به کمک نیاز دارد چه باید کرد؟ آیا میخاکمه بدون قاضی و تفهیم اتهام آن هم در شرایط نامساعد جسمی و روحی اجرای عدالت است؟ آیا عدالت است که یک زندانی مجروح را که سه تیر به پایش خورده بعد از گذشت ۲۸ روز به بیمارستان اعزام نمایند؟ آیا خانه نشین کردن یک جوان اجرای عدالت است؟ اگر آن چه بر سر اینجانب آمده عین عدالت است، پس ظلم چیست؟» در جواب این سوال ها باید گفت که، اینها «پیشرفت» حقوق بشر در رژیم ولایت فقیه است.

### ناتوانی در برابر نسل سوم

مقامات حکومتی بر یک نکته اشراق کامل دارند و آن میزان تفر و انزجار توده ها از آنان است. در این میان نسل جوان، مشکلی است که در معادلات سیاسی روز، عدم توجه به آن بستری است که توان زور آزمایی در مقابل آن از عهده هیچ نیروی سیاسی به سادگی میسر نیست. اینکه راه کارهای عملی برای خروج از این بحران گریبانگیر رژیم ولایت فقیه تا چه حد آسان است، نکته مورد نظر این مطلب نیست، چه اصولاً این، نوعی دامن زدن به توهمی است که، خوش خیالان و کسانی را که منافع شان با موجودیت این رژیم گره خورده است، در بر می گیرد. صحبت در این مورد به وفور در روزنامه های مجاز در داخل ایران منتشر می شود که نشان دهنده یک معضل جدی برای رژیم ولایت است. در این رابطه

### نگاهی به رویدادهای ایران

#### در هفته ای که گذشت

### «پیشرفت» حقوق بشر در ایران

هفته گذشته روزنامه ها و رسانه هایی که در جمهوری اسلامی اجازه انتشار دارند، خبر دادند که کاپیتورن در گزارش شفاهی خود به کمیته سوم مجمع عمومی سازمان ملل، وضعیت حقوق بشر در ایران را رو به پیشرفت گزارش کرده است. این ادعاها در حالی بیان می شود که نماینده ویژه کمیسیون حقوق بشر در باره ایران، چندین سال متوالی است که اجازه سفر به ایران و تحقیق در این مورد را نتوانسته است کسب کند. صرفنظر از این مسئله بدون اینکه بخواهیم به موارد متعدد نقض حقوق بشر اشاره ای داشته باشیم که موارد زنده آن، دستگیر شدگان مطبوعاتی و شرکت کنندگان در کنفرانس برلین از آن



ارکان مرکزی حزب توده ایران

ضمیمه ۵۹۵، دوره هشتم  
سال هفدهم، ۱۷ آبان ۱۳۷۹

## دادگاه تفتیش عقاید دگراندیشان و دور تازه یورش ارتجاع

حسینیان و حسین شریعتمداری در سخنرانی ها و مصاحبه های خود به جو سازی بر ضد نیروهای هوادار آزادی و عدالت اجتماعی ادامه دادند و شخصیت های سیاسی، فرهنگی و مطبوعاتی خواستار تحول را «عامل بیگانه» و «وابسته به خارج» معرفی کردند. علی فلاحیان در یک نشست دانشجویی در مشهد، در پاسخ به پرسشی درباره آزادی از جمله گفت: «اصلاحات و آزادی و اینگونه مباحث برای به زیر یوغ کشیدن کشورهاست... حسین شریعتمداری نیز در موضع گیری های مشابهی در شهر بابل اضافه کرد: «حزب و گروهی که مطالبات آن بیرون از دایره نظام باشد یک جریان برانداز است و با این معیار به آسانی می توان جریانات برانداز را شناسایی کرد...»

در چنین اوضاعی حرکت روشن شورای نگهبان در مقابله با مجلس انچنان تحریک آمیز و در عین حال تحقیر آمیز به حقوق نمایندگان مجلس بود، که حتی کربوبی نیز ناچار به اعتراض شد و از جمله گفت: «کار را یکسره کنید قانون هم تصویب کنید.» ابعاد دیگر این دور تازه تهاجم ارتجاع را باید تهدیدهای مجدد مطبوعات و ادامه روند توقیف و احضار مدیران مسئول مطبوعات به بیدادگاه های رژیم دانست. به گزارش روزنامه «آفتاب یزد»، احضار مدیر مسئول هفته نامه «مخبر خوزستان» به دادگاه، که طی چند هفته گذشته گزارشات و اخبار اعتصاب های کارگران شرکت نفت را انعکاس داده بود، آخرین نمونه ادامه این تهاجمات است.

دور تازه یورش همه جانبه و هدفمند جناح «ذوب در ولایت» بر ضد جنبش مردمی، امری دور از انتظار نبود. حزب ما در سال های اخیر بدفعات

در هفته های اخیر، با انتشار خبر آغاز محاکمه شخصیت های سیاسی - فرهنگی شرکت کننده در کنفرانس برلین، به اتهام واهی «اقدام علیه امنیت ملی»، که محاکمه دو تن از آنان، مهر انگیز کار و شهلا لاهیجی، به صورت غیر علنی برگزار شد، و تهاجم جدید شورای نگهبان و بی حقوق شمردن مجدد نمایندگان منتخب مجلس ششم، نشانگر آغاز دور تازه ای از یورش نیروهای ارتجاعی بر ضد نیروهای اصلاح طلب و روند اصلاحات در میهن ما است. به این اقدامات همچنین باید صدور حکم شاهرودی، رئیس قوه قضائیه، به رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح را پیرامون «برخورد قاطع با افشاگران اسرار نظام» و «تهدید کنندگان امنیت ملی» و «تشویش کنندگان اذهان عمومی» افزود تا ژرفای دوره تازه توطئه ارتجاع بر ضد جنبش مردمی روشن تر گردد.

آغاز محاکمه شرکت کنندگان در کنفرانس برلین، با اتهامات ساختگی و سرهم بندی شده توسط دادستانی رژیم، تلاش هدفمند و برنامه ریزی شده بی است برای ایجاد جو رعب و وحشت و به سکوت وادار کردن آزادی خواهان و بویژه روشنفکران مترقی میهن ما. چند روز پیش از آغاز این دادگاه فرمایشی در شعبه سوم دادگاه انقلاب اسلامی تهران، جامعه انجمن های اسلامی اصناف و بازار با انتشار بیانیه بی در روزنامه کیهان، به تاریخ اول آبان ماه، خواستار «محاکمه مسافرین برلین» شد. در این بیانیه تأکید می شود: «مسافرین کنفرانس ننگین برلین سفیران احزاب و گروه هایی بودند که به منظور همبستگی با ضد انقلاب به خارج کشور رفته بودند...» اندکی پیش از صدور این اطلاعیه چهره های منفور و جنایتکاری همچون فلاحیان، روح الله

ادامه در صفحه بعد

ادامه در صفحه بعد

## با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

# برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی، و طرد رژیم «ولایت فقیه»!



**ادامه دادگاه تفتیش عقاید دگراندیشان و**

**ادامه رویدادهای ایران**

متذکر شده بود که ارتجاع حاکم از همه وسایل و شیوه ها برای سد کردن روند تغییرات استفاده خواهد کرد و حاضر نیست تا با دست روی دست گذاشتن به عنوان ناظر بی طرفی باقی بماند. سیر رویدادهای ماه های اخیر در تأیید این ارزیابی نشان داده است که ارتجاع برای بازپس گیری مواضع از دست رفته خود تحرکات گسترده ای را آغاز کرده است.

یکی از اهداف ارتجاع در مقطع کنونی نا امید ساختن و خارج کردن مردم از صحنه مبارزه است. روزنامه «انتخاب» که به باند هاشمی رفسنجانی نزدیک است، در مطلبی با استقبال از دشواری هایی که جنبش اصلاحات با آن روبه روست، از جمله نوشت: «به نظر می رسد در ماه های اخیر نوعی نا امیدی در میان عموم مردم و بخشی از نخبگان جامعه در حال رشد و افزایش است...» حال سؤال اساسی این است که زمینه های نا امیدی مردم را باید در چه عرصه هایی جستجو کرد. سخنان محمد رضا خاتمی، رئیس فراکسیون حزب مشارکت در مجلس ششم، که در رسانه های گروهی ۲ آبان ماه بازتاب یافت در این زمینه گویا است. وی ضمن اشاره به تصویب اعتبار نامه های حداد عادل و محتشمی در مجلس از جمله گفت: «پیام امروز جنبه دوم خرداد این بود که حاضر است برای ایجاد جو تفاهم و فضای عاری از تشنج که بشود در آن کار کرد، هزینه هایی بپردازد... در فضای سیاسی، شاید لازم باشد بعضی زیان ها را بپذیریم تا به هدف برسیم. ممکن است جنبه دوم خرداد از نظر افکار عمومی زیان کرده باشد، ولی مصالح کلی کشور مهم است. زیان را می پذیریم چون هدفی عالی تر مد نظرمان است...» پرسش اینجاست که این کدام اهداف است که می تواند از منافع مردم بالاتر باشد. تجربه سه ساله گذشته نشان داده است که حرکت به سمت مواضعی این چنین، یعنی «حفظ منافع نظام» در مقابل حفظ منافع مردم، نشانگر مماشات و تسلیم طلبی و زمینه ساز تبحر ارتجاع و در عین حال یأس و رکود جنبش مردمی است.

علی شکوری راد، از چهره های فعال جنبه دوم خرداد، در گفت و گو با اینساز، یاد آور شد: «ما الان در یک شرایط قطبی شدن بسر می بریم. عقلای دو طرف کمتر قدرت مانور دارند و من فکر می کنم باید به سمتی برویم که رهبری تحرکات اجتماعی را از بخش های رادیکال بگیریم و به بخش های عقلایی واگذار کنیم... در واقع تخصصات میان دو جناح نباید به جایی برسد که رهبری خود را به بخش رادیکال واگذار نماید...»

چهره های رسوای ارتجاع، همچون هاشمی رفسنجانی نیز در این میان مبلغ سیاستی مشابه اند برای سپردن امور به «بخش عقلایی»، یعنی در واقع بخشی که خواهان حفظ اوضاع و احوال کنونی است. این سیاست تمام گره ها و جناح ها را به «وحدت» و «وفاق ملی» و در واقع اتحاد عمل برای «حفظ نظام» و ایستادن در برابر خواست های میلیونها ایرانی دعوت می کند. در چنین اوضاعی جنبش مردمی ضمن حفظ هوشیاری و اتحاد عمل خود باید تلاش در راه سازمان دهی و مقابله با تهاجمات ارتجاع را دو چندان کند. جنبش مردمی می تواند در صورت ارتقاء سازمان دهی و حفظ انسجام صفوف خود بر ترفند های ارتجاع برای توقف روند اصلاحات در ایران چیره شود.

اعترافات میرباقری، رئیس سازمان ملی جوانان که در اطلاعات بین المللی جمعه ۱۳ آبان درج گردیده بسیار جالب است. وی می گوید: تعارض، شکاف و موضع گیری های مسئولان، نسل سوم انقلاب را دیوانه کرده، جوانان کم کم به این نتیجه می رسند که مسئولان کشور در عالم دیگری سیر می کنند. وی در جایی دیگر با اعتراف به این که، نسل سوم انقلاب علائمی مبنی بر حل مشکلات خود در جامعه نمی بیند، ناتوانی رژیم در این مورد را بیان می کند. میرباقری در رد نظری که گرایش دینداری و عدالت در جوانان را کم می داند، معتقد است که، جوانان اعتقادی به عادل بودن مسئولان کشور ندارند. میر باقری با توجه به این مشکلات گفت: «این مسائل نشان می دهد که ما برنامه نداریم، این که بگوییم هر چه تا به حال انجام داده ایم درست بوده و اگر خود پیامبر نیز امروز بود، همین کار را می کرد، اشتباه محض است. با گذشت دو دهه از انقلاب، دیگر کوبن های ما که بخواهیم بر احساس آن از مردم برای جبران اشتباهات خود، فرصت بخواهیم پر شده است و ما باید مسئولیت امور را بپذیریم.»

سخنان میرباقری در عین حالی که واقعیت های غیر قابل انکاری را در بردارد، اما یک مسئله نهفته ای دارد که، میر باقری سعی دارد با عنوان «اشتباهات در گذشته»، آن را توجیه کند و آن این است که اصولاً در خارجوب های کنونی راه حل ریشه ای برای حل این بحران ملی خارج از توان رژیم مستبد ولایت فقیه است. هر گونه گشایشی در این باره مساوی با از دست دادن منافع جناحی است که غارت و چپاول ثروت ملی، سرلوحه برنامه های آن است. تمام تلاش رژیم ولایت فقیه نه پیدا کردن راه حل اصولی و ریشه ای، بلکه، یافتن راهی است که این جمعیت چند ده میلیونی را به نحوی از انحاء از حضور در صحنه خارج سازد. ناهنجاری عمده و بزرگ که عمدتاً در بین نسل جوان هر روز به طور فزاینده ای گسترش یافته و گاه به گاه در مطبوعات مجاز منتشر می شود را، باید در همین رابطه مورد توجه قرار داد. پیش بینی اینکه تبعات خطرناک این مسئله برای رژیم ولایت فقیه به چه صورت بروز می کند را شاید نتوان حلس زد، اما اینکه بتوان این جمعیت میلیونی را به ساده گی از صحنه معاملات سیاسی حذف کرد، تلاشی بیهوده ای است که بیش از همه حکومت گران بران واقفند.

**زنان، ضرورت شیوه های نوین مبارزه**

کمیسیون فرهنگی مجلس در رابطه با مسائل زنان گفت: «برای حل مسائل و مشکلات زنان در جامعه نیازمند سنت شکنی هستیم. نه تنها در مجلس، بلکه در کشور نیز فضای مقاومت گونه ای در مورد مسائل زنان وجود دارد که باید مقام رهبری، مراجع تقلید و اندیشمندان در این زمینه خطر پذیری کنند تا نگرش های نادرست مانع تحقق اهداف اصولی اسلام عزیز نشود.» (اطلاعات بین المللی، چهارشنبه ۲۱ آبان) لازم به تذکر است که اخیراً کمیسیون زنان و خانواده در مجلس حذف و این کمیسیون در یکی از کمیته های کمیسیون فرهنگی ادغام گردید. با نگاهی به عملکرد و سخنان دست اندرکاران دولتی، نگرش فوق ارتجاعی غالب در مورد زنان به خوبی آشکار می باشد. سخنان زنجان و پور نجاتی از دو جنبه قابل بررسی است. اگر مقامات زن ستیز حکومتی همیشه سعی داشته و دارند با بزرگ کردن سیمای زن ستیز خود به اصطلاح تفکر حاکم در مورد زنان را مخفی نگه دارند، زنجان خیلی صریح و بی پرده و به صورت عریان نشان می دهد از نظر آنان زنان با مردان مساوی نیستند و وظیفه آنها بچه داری، خانه داری و خارج نشدن از خانه می باشد. سخنان پور نجاتی نیز هشدار می است به سردمداران ارتجاع که مقابله با جمعیت عظیم زنان به آسانی میسر نیست. بی اثر کردن این عملکردهای ارتجاعی بدون حضور و تقسیم زنان در تصمیم گیری هایی که ارتباط تنگاتنگ با منافع آنان دارد قابل دسترسی نیست. زنان باید گام های جدیدتری فراتر از شیوه های مبارزاتی گذشته بردارند.

ایستنا خبرگزاری دانشجویان روز شنبه ۱۷ آبان گفتگویی را با آیت الله زنجان در مورد زنان انجام داده است که بدون توضیحات قسمتی از آن را در اینجا می آوریم. آیت الله زنجان گفت: «در نظام اسلامی، اگر چه زن با مرد در بسیاری از احکام مساوی است، مخصوصاً در مسایل معنوی و اخلاقی، ولی در پاره ای از احکام به جهت متفاوت بودن زن با مرد، مختلف است و علت این اختلاف هم به دوگانگی خلقت آنها بر می گردد.» وی افزود: «قانون وقتی عادلانه است که با واقعیت های خارجی انطباق داشته باشد و درست است که زن و مرد هر دو انسان هستند ولی وجه تمایز هم دارند و آن عبارت از انسان مرد بودن، و انسان زن بودن است و اگر این اختلاف در وضع قوانین نادیده گرفته شود، آن قانون منطبق بر فطرت و خلقت نیست.» وی اضافه کرد: «منصفانه قضاوت کنیم آیا زن و مرد در خلقت و توانایی و خواست ها و گرایش ها یکی است؟ این درست است زن و مرد مکمل یکدیگرند ولی مکمل بودن، به معنای تساوی نیست و اگر از این تحلیل واقعیتنا به حقوق خانواده نظر کنیم، جایگاه حقوق زن و تفاوت های آن برای ما روشن می شود.» آیت الله زنجان با اشاره به این مسئله که، خدا حقیقت مطلب است و تقرب به خدا روح اصلی قوانین اسلامی است، با ربط دادن فلسفه گناهان و عواملی که انسان را از این مهم باز می دارد به حجاب می پردازد و می گوید: «از نگاه زنا و استفاده نامشروع از زنان، از نگاه های شهوت انگیز گرفته تا مراحل بعدی، همه اینها عوامل بازدارنده ای هستند که ضد ارزش تلقی شده، برای دور نگاه داشتن بانوان از آلوده شدن به این گناهان حجاب را بر آنان واجب کرده و محدوده فعالیت آنان را در خانه و خانواده تبیین نموده تا از آسیب ها محفوظ بمانند.» هفته گذشته احمد پور نجاتی، رئیس

**آدرس ها:** لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany  
 2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK  
 3. <http://www.tudehpartyiran.org>

**Supplement to Neveh Mardom-NO 595**  
 Central Organ of the Tudeh Party of Iran

7 November 2000

شماره فاکس و تلفن پیام گیر ما  
 ۰۰-۴۹-۳۰-۳۲۴۱۶۲۷

**حساب بانکی ما:**  
 نام: IRAN e.V.  
 شماره حساب: 790020580  
 کد بانک: 10050000  
 بانک: Berliner Sparkasse